

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۶/۰۲/۱۸

نقد و بررسی آیات استدلال شده بر عدالت تمام صحابه (۱۱) - بغض، سب و لعن امیرالمؤمنین توسط صحابه!
(۶)

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة
على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله
بحث ما در رابطه با مسئله عدالت صحابه و استدلال آقایان اهل سنت بر آیات قرآن کریم به ویژه آیه
شریفة:

(وَ السَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ)

و پیشروان نخستین از مهاجرین و انصار.

سوره توبه (۹): آیه ۱۰۰

بر عدالت جمیع صحابه بود. ما در اینجا به بحثی در رابطه با عبارت «ابن تیمیه» ورود پیدا کردیم که معتقد
است:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعین كانوا يبغضونه و يسبونونه و یقاتلونهم»

بسیاری از صحابه و تابعین بغض علی را در دل داشتند، ایشان را سب می‌کردند و با علی بن ابی طالب
قتال می‌کردند.

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس، دار النشر: مؤسسة

قرطبة - ۱۴۰۶، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ج ۷، ص ۱۳۷

ما در مقام پاسخگویی به این عبارت ابن تیمیه سؤالاتی را مطرح کردیم که تعداد آنها به ۱۴ سؤال رسید.

ما در این رابطه سؤالی مطرح کردیم مبنی بر اینکه «ابن تیمیه» در کلام خود نسبت به این کلام صادق است یا صادق نیست؟!

اگر «ابن تیمیه» در کلام خود صادق است، ادعای او چه حکمی دارد و اگر در کلام خود صادق نیست و دروغ می‌گوید چه حکمی دارد؟! زیرا طبق بیان او که می‌گوید:

«كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه و يسبونونه و يقاتلونونه»

اگر این حرف «ابن تیمیه» دروغ است، در روایات اهل سنت درباره دروغ گفتن روایات متعددی وارد شده است. از جمله در کتاب «مساوی الاخلاق» اثر «خرائطی» وارد شده است که «عبیدالله بن جراد» سؤال می‌کند:

«يا نبي الله، هل يزني المؤمن؟»

ای نبی خدا، آیا مؤمن زنا می‌کند؟

«قَالَ: قَدْ يَكُونُ مِنْ ذَلِكَ»

رسول الله فرمودند: شاید.

«قَالَ: يا رسول الله، هل يسرق المؤمن؟»

«عبیدالله بن جراد پرسید: یا رسول الله! آیا مؤمن دزدی می‌کند؟

«قَالَ: قَدْ يَكُونُ مِنْ ذَلِكَ»

رسول الله فرمودند: شاید.

«قَالَ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ، هَلْ يَكْذِبُ الْمُؤْمِنُ؟»

عبدالله بن جراد پرسید: یا نبی الله! آیا مؤمن دروغ می گوید:

«قَالَ: لَا»

رسول الله فرمودند: نه.

«ثُمَّ أَتَبَعَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ هَذِهِ الْكَلِمَةُ: [ص: ٧٠] {إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكُذِبَ الَّذِينَ لَا

يُؤْمِنُونَ} [النحل: ١٠٥]»

پیغمبر در ادامه کلام خودشان این آیه را مطرح کردند که خداوند می فرماید: کسانی که دروغ می گویند و به افترا سخن می گویند، به خدا ایمان ندارند.

مساوی الأخلاق ومذمومها، المؤلف: أبو بكر محمد بن جعفر بن محمد بن سهل بن شاکر الخرائطي السامري (المتوفى: ٣٢٧ هـ)، حققه وخرج نصوصه وعلق عليه: مصطفى بن أبو النصر الشلبی، الناشر: مكتبة السوادى للتوزيع، جدة، الطبعة: الأولى، ١٤١٣ هـ - ١٩٩٣ م، ج ١، ص ٦٩، ح ١٢٧

زمانی که «ابن تیمیه» می گوید:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه و يسبونونه و يقاتلونه»

اگر این حرف او دروغ است، در حقیقت او مصداق بارز آیه شریفه (يَفْتَرِي الْكُذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ) است.

همچنین در کتاب «در المنثور» بنا به نقل «تاریخ بغداد» و دیگر کتب وارد شده است:

«يا رسول الله هل يكذب المؤمن»

یا رسول الله! آیا مؤمن دروغ می‌گوید؟

«قال: لا یؤمن بالله ولا بالیوم الآخر من إذا حدث کذب»

رسول الله فرمودند: به خدا و قیامت ایمان ندارد کسی که سخن دروغ می‌گوید.

الدر المنثور، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن الڪمال جلال الدین السیوطی، دار النشر: دار الفكر - بیروت -

۱۹۹۳، ج ۵، ص ۱۶۹، باب النحل: (۱۰۳ - ۱۰۵) ولقد نعلم أنهم... ..

همچنین در کتاب «صحيح بخاری» دو روایت از «ابو هريره» وارد شده است که روایات بسیار خوبی است. در

روایت اول وارد شده است:

«آیة المُنَافِقِ ثَلَاثٌ إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار

ابن كثير، الیمامة - بیروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفى ديب البغا، ج ۱، ص ۲۱،

ح ۳۳

اگر «ابن تیمیه» به دروغ می‌گوید:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه و يسبونونه و يقاتلونهم»

بنابراین همین روایت «صحيح بخاری» ثابت می‌کند که «ابن تیمیه» منافق است. همچنین روایت بعدی از

«عبدالله بن عمروعاص» است که می‌گوید:

«أزبَعٌ من كن فيه كان مُنَافِقًا خَالِصًا»

چهار صفت وجود دارد که در هرکسی باشد منافق خالص است.

«وَمَنْ كَانَتْ فِيهِ خِصْلَةٌ مِنْهُنَّ كَانَتْ فِيهِ خِصْلَةٌ مِنَ النَّفَاقِ»

هرکسی یکی از خصلت‌ها را داشته باشد یک چهارم نفاق را داراست.

«حَتَّى يَدْعَهَا إِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ وَإِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا عَاهَدَ غَدَرَ وَإِذَا خَاصَمَ فَجَرَ تَابِعَهُ شُعْبَةُ عَنِ الْأَعْمَشِ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار

ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ١، ص ٢١،

ح ٣٤

جالب اینجاست که «ابن تیمیه» خودش در کتاب «مجموع الفتاوی» جلد ١٨ صفحه ٣٥١ مطلبی را از «أحمد بن

عبدالله بکری» نقل می‌کند که مطلبی شنیدنی است. او در مورد کتاب «تنقلات الأنوار» چنین می‌نویسد:

«إِنَّ كِتَابَ " تَنْقُلَاتِ الْأَنْوَارِ " الْمُنْسُوبُ إِلَى " أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَكْرِيِّ " مِنْ أَعْظَمِ الْكُتُبِ كَذِبًا وَافْتِرَاءً

عَلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَعَلَى أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»

کتاب «تنقلات الأنوار» اثر «أحمد بن عبدالله البکری» از بزرگ‌ترین کتابهایی است که به خدا و رسول الله

و اصحاب پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دروغ بسته است.

حال ما از «ابن تیمیه» سؤال می‌کنیم شما که در کتاب خود می‌گویید:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه و يسبونونه و يقاتلونهم»

آیا این مصداق بارز «مِنْ أَعْظَمِ الْكُتُبِ كَذِبًا وَافْتِرَاءً» هست یا نیست؟! «ابن تیمیه» سپس می‌گوید:

«وَصَاحِبُ الْكِتَابِ الَّذِي سَمَّاهُ " تَنْقُلَاتِ الْأَنْوَارِ " يَفْتَرِي الْكُذِبَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعَلَى

أَصْحَابِهِ وَيَكْذِبُ عَلَيْهِ كَذِبًا لَا يَعْرِفُ أَنْ أَحَدًا كَذَبَ مِثْلَهُ فِي كِتَابٍ»

صاحب کتاب «تنقلاات الأنوار» آنچنان به خدا و پیغمبر اکرم و اصحاب آن حضرت آنچنان دروغ گفته است که کسی تا به حال چنین دروغی نگفته است.

سپس می نویسد:

«وَإِنْ كَانَ فِي بَعْضِ مَا يَذُكُرُهُ صِدْقٌ قَلِيلٌ جِدًّا فَهُوَ مِنْ جِنْسِ مَا فِي سِيرَةِ عُنْتَرَةَ وَالْبَطَّالِ»

آیا در طول این ۱۴ قرن کسی همانند «ابن تیمیه» تعبیر:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه و يسبونونه و يقاتلونونه»

را در مورد صحابه به کار برده است؟! ما تا به حال ندیدیم. حتی خوارج که با امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) دشمنی فراوانی دارند، می گویند که مراد از «یبغضونه و يسبونونه و يقاتلونونه» ما هستیم، نه «کثیرا من الصحابة و التابعين»!!

منظور «ابن تیمیه» این است که از میان ۱۲۰ هزار صحابه حدود ۷۰ هزار نفر یا بیشتر نستجیر بالله امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را سب می کردند. «ابن تیمیه» در ادامه این روایت می گوید:

«فَإِنَّ عُنْتَرَةَ كَانَ شَاعِرًا فَارِسًا مِنْ فُرْسَانَ الْجَاهِلِيَّةِ وَلَهُ شِعْرٌ مَعْرُوفٌ وَقَصِيدَتُهُ إِحْدَى السَّبْعِ الْمُعَلَّقَاتِ

لَكِنْ افْتَرَوْا عَلَيْهِ مِنَ الْكُذِبِ مَا لَا يَخْصِيهِ إِلَّا اللَّهُ وَكُلُّ مَنْ جَاءَ زَادَ مَا فِيهَا مِنَ الْأَكْذَابِ»

سپس «ابن تیمیه» مطالبی در رابطه با خلافت معاویه در صدر اسلام و فتوحات قسطنطنیه و غزوه دوم بیان می کند و می گوید بعضی افراد نسبت به این غزوها افترا بستند، اما:

«وَالْبَكْرِيُّ صَاحِبُ " تَنْقَلَاتِ الْأَنْوَارِ " سَلَكَ مَسْلَكَ هَؤُلَاءِ الْمُفْتَرِينَ الْكُذَّابِينَ لَكِنْ كَذِبُهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعَلَى أَصْحَابِهِ أَفْضَلُ الْخَلْقِ بَعْدَ النَّبِيِّينَ أَكْثَرُ»

دروغی که «بکری» صاحب کتاب «تنقلاات الأنوار» بر پیغمبر اکرم و اصحاب ایشان که بعد از رسول الله افضل الخلق هستند، بیشتر از دروغ گویانی هستند که در سیره بطال و عنتره دروغ بستند.

«وَفِيهِ مِنْ أَنْوَاعِ الْأَكَاذِبِ الْمُفْتَرِيَاتِ وَغَرَائِبِ الْمُضُوعَاتِ: مَا يَجِلُّ عَنِ الْوَصْفِ»

این کتاب سرشار از دروغها و افتراهای عجیب و غریب است که به وصف نمی آید.

«وَرَوَايَةُ أَحَادِيثِ تُخَالِفُ كِتَابَ اللَّهِ وَسُنَّةَ رَسُولِهِ وَإِجْمَاعَ الْمُسْلِمِينَ وَتُخَالِفُ مَا تَوَاتَرَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»

سپس می نویسد:

«وَفِيهَا مِنْ الْأَقْوَالِ وَالْأَفْعَالِ الْمُضَافَةِ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَصْحَابِهِ مَا بَرَّاهُ اللَّهُ مِنْهُ وَهِيَ مِنْ جَنَسِ أَحَادِيثِ الزَّنَادِقَةِ النَّصِيرِيَّةِ وَأَشْبَاهِهِمُ الَّذِينَ يَخْتَلِفُونَ مَا فِيهِ غُلُوٌّ فِي عَالِي وَغَيْرِهِ وَفِيهِ مِنَ الْقَدْحِ فِي دِينِ الْإِسْلَامِ وَالْإِفْسَادِ لَهُ»

او مطالبی را به پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اصحاب ایشان گفته است که از جنس احادیث زنادقه نصیریه و کسانی که در مورد علی غلو می کنند هست که موجب قدح در دین اسلام و فساد است.

«مَا يُوَجِبُ إِبَاحَةَ دَمِ مَنْ يَقُولُ ذَلِكَ»

حکم دروغهایی که این شخص بر پیغمبر اکرم و اصحاب ایشان بسته است، مباح کردن خون کسی است که چنین عبارتهایی را نقل می کند.

«وَإِنْ كَانَ جَاهِلًا أَسْتَتِيبَ فَإِنْ تَابَ وَإِلَّا قُتِلَ»

هرکسی حرف‌های این کتاب را نقل کند خورش هدر است. اگر جاهل باشد باید توبه داده شود و اگر توبه داده نشد باید کشته شود.

«وَأَقْلُ مَا يَفْعَلُ بِمَنْ يَرَوِي مِثْلَ هَذَا أَنْ يَعْقَبَ عُقُوبَةً تَرَدُّعُهُ عَنْ مِثْلِ ذَلِكَ»

کوچک‌ترین کاری که برای ناقلین این مطالبی باید اعلام شود این است که عقوبت و مجازاتی به او داده شود که از این کار برگردد.

«وَكَذَلِكَ يَسْتَجِئُ الْعُقُوبَةَ مَنْ يَكْرِيهَا لِمَنْ يَفْرُوهَا وَيَصَدِّقُ مَا فِيهَا وَمَنْ يَنْسُخُهَا أَيْضًا كَذَلِكَ»

اگر کسی این کتاب را عاریه می‌گیرد، برای مردم قرائت می‌کند یا کسی مطالب این کتاب را تصدیق یا استنساخ می‌کند، تمامی این افراد باید مجازات شوند.

حال ما از «ابن تیمیه» سؤال می‌کنیم عقوبت تو نسبت به اینکه دروغ بستی و تعابیری که به کار بردی چیست؟! عقوبت وهابیانی که حدود هفتصد، هشتصد سال است این عبارت را نقل، چاپ و استنساخ می‌کنند و در شبکه‌های ماهواره‌ای برای میلیون‌ها مخاطب این مطالب را نقل می‌کنند، چیست؟! چه کیفری باید برای وهابیت در نظر گرفته شود؟!

«وَيَجِبُ عَلَى أَهْلِ الْعِلْمِ إِظْهَارُ مَا يَغْلَمُونَ مِنْ كَذِبِ هَذِهِ وَأَمْثَالِهَا»

اهل علم باید دروغ‌های نوشته شده در این کتب را برای مردم نقل کنند.

او در نهایت می‌نویسد:

«وَأَمَّا مِثْلُ مَا فِي " تَنْقُلَاتِ الْأَنْوَارِ " مِنْ الْأَحَادِيثِ فَهِيَ مِمَّا يَغْلَمُهُ مَنْ لَهُ أَدْنَى عِلْمٍ بِأَحْوَالِ الرَّسُولِ وَمَعَارِيزِهِ أَنَّهُ كَذِبٌ»

اگر کسی ادنی علمی به احوال رسول الله و غزوات ایشان داشته باشد، می‌داند مطالبی که در کتاب «تنقلاات الأنوار» وارد شده است دروغ است.

حال ما به «ابن تیمیه» می‌گوییم کسی که حتی الفبای دین اسلام را خوانده باشد و به اسلام آگاهی داشته باشد، می‌داند سخن تو که می‌گویی:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه و يسبونونه و يقاتلونه»

دروغ است! بله البته تعدادی از بنی امیه این افراد فاسد و شجره ملعونه در قرآن که شاید به اندازه دو یا سه درصد جامعه اسلامی را تشکیل می‌دادند، به تحریک معاویه، امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را سب می‌کردند. این افراد اصلاً صحابه پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نبودند و ارتباطی با پیغمبر اکرم نداشتند. صحابه پیغمبر همگی در مکه و مدینه بودند، اما این افراد در شام بودند.

اهل سنت معتقدند که صحابه پیغمبر کسی است که پیغمبر اکرم را دیده باشد. حال چند نفر از بنی امیه پیغمبر اکرم را دیدند؟! شرط صحبت؛ رؤیت رسول الله (صلی الله علیه و آله) است!!

آیا به غیر از افرادی مانند «ابوسفیان»، «معاویه» و «مغیره» چند نفر رسول الله (صلی الله علیه و آله) را دیدند؟! آیا تعداد این افراد از تعداد انگشتان دست تجاوز می‌کند؟! آیا مراد از «کثیرا من الصحابة و التابعين» این افراد هستند؟!

کسی که از تاریخ اسلام و تاریخ صحابه آگاهی کوچکی داشته باشد، می‌داند که این حرف «ابن تیمیه» دروغ است. او در آخر مطلبش می‌گوید:

«وَعَلَىٰ وُلَاةِ الْأُمُورِ عُقُوبَةُ مَن يَرُوى هَذِهِ»

حاکمان باید کسانی که چنین حرفی را نقل می‌کنند مجازات کنند.

«أَوْ يَعِينُ عَلَى ذَلِكَ بِتَوَعُّعٍ مِنْ أَنْوَاعِ الْإِعَانَةِ»

آن‌ها به نوعی دارند ناقلین روایت را کمک می‌کنند.

«وَلَوْلَى الْأَمْرِ أَنْ يَحْرِقَهَا»

ولی امر مسلمین باید چنین کتابی را آتش بزند.

مجموع الفتاوی، المؤلف: تقی الدین أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی (المتوفی: ۷۲۸ هـ)،

المحقق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة

النبویة، المملكة العربية السعودية، ج ۱۸، ص ۳۵۱

ما می‌گوییم طبق فتاوی «ابن تیمیه»، ولاة امر باید کتاب «منهاج السنة» و «مجموع الفتاوی» را به خاطر دروغی

که او در آن نقل کرده است، آتش بزنند!! این حرفی است که خود «ابن تیمیه» زده است.

این مسئله در صورتی است که ما بگوییم حرف «ابن تیمیه» دروغ است. حال اگر «ابن تیمیه» راست می‌گوید و

چنین واقعیتی وجود داشته است و چنین اتفاقی افتاده است و:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه و يسبونونه و يقاتلونونه»

حال ما کلمه «کثیرا» را هم از این عبارت برمی‌داریم و تنها:

«فان من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه و يسبونونه و يقاتلونونه»

ما فرض می‌گیریم که تعداد اندکی از صحابه این کار را می‌کردند؛ آیا این اقدام صحابه باعث سقوط آنها از

عدالت هست یا نیست؟!

سب و بغض امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) چه حکمی دارد؟! شما چه عباراتی را در رابطه با سب و بغض امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نقل کرده‌اید؟!

ما در گذشته بیان کردیم که «ابن تیمیه» عبارتی در سب خلفای راشدین دارد. همچنین در روایات وارد شده است کسی که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را سب کند، در حقیقت رسول الله (صلی الله علیه و آله) را سب کرده است.

همچنین ما هفته گذشته حکم سب رسول الله در سنت را مطرح کردیم و بیان کردیم اجماع مسلمانان بر این عقیده هستند کسی که رسول گرامی اسلام را سب کند کافر است. بنابراین صحابه ای که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را سب می‌کردند همگی کافر هستند، زیرا سب حضرت به منزله سب رسول الله است و شخص کافر هم خارج از عدالت است!!

بحث سر این است که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

«ولا تسبوا علیا فإن من سب علیا فقد سبني ومن سبني فقد سب الله»

تاریخ مدینه دمشق، اسم المؤلف: علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی، دار النشر: دار الفكر

- بیروت - ۱۹۹۵، تحقیق: محب الدین ابی سعید عمر بن غرامة العمری، ج ۱۴، ص ۱۳۲، ح ۱۵۶۶

با این روایت می‌خواهید چه بکنید؟ می‌گویید تعداد زیادی از صحابه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را سب می‌کردند، هرکسی حضرت را سب کند رسول گرامی اسلام را سب کرده است و هرکسی رسول الله را سب کند خداوند را سب کرده است!!

این روایت با مدارک متعدد نقل شده است. جالب اینجاست که در کتاب «الشریعة» اثر آقای «ابوبکر آجری» وارد شده است:

«فَأِنِّي أَشْهَدُ لَسَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ سَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ سَبَّنِي، وَمَنْ سَبَّنِي فَقَدْ سَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ سَبَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَجَلَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى مَنْخَرِيهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ»»

شنیدم که رسول الله فرمودند: هرکسی علی را سب کند مرا سب کرده است، هرکسی مرا سب کند خدا را سب کرده است و هرکسی خدا را سب کند خداوند متعال او را با سر در آتش جهنم می اندازد.

الشريعة، المؤلف: أبو بكر محمد بن الحسين بن عبد الله الأجرى البغدادي (المتوفى: ٣٦٠ هـ)، المحقق: الدكتور عبد الله بن عمر بن سليمان الدميحي، الناشر: دار الوطن - الرياض / السعودية، الطبعة: الثانية، ١٤٢٠ هـ - ١٩٩٩ م، ج ٤، ص ٢٠٦٠، ح ١٥٣٨

همچنین آقای «ابن مردویه» هم تعبیر زیبایی دارد و می گوید:

«عن الحسين بن علي، قال: حدثني أبي علي بن أبي طالب - وهو أخذ بشعرة منه -: إن جدِّي رسول الله (صلى الله عليه وسلم) أخذ بشعرة منه وقال:»

حسین بن علی (علیه السلام) فرمودند: پدرم یک تار موی خود را گرفت و فرمود: همانا جدت رسول الله یک تار موی مرا گرفتند و فرمودند:

«من آذى شعرةً منك فقد آذاني، ومن آذاني فقد آذى الله، ومن آذى الله لعنه الله ملء السماوات والأرض»

هرکسی یک تار موی تو را اذیت کند مرا اذیت کرده است، هرکسی مرا اذیت کند خدا را اذیت کرده است و هرکسی خدا را اذیت کند لعنت خداوند به اندازه آسمان و زمین بر او باد.

مناقب علی بن أبي طالب؛ نویسنده: أحمد بن موسى ابن مردويه الأصفهاني، تحقيق: جمعه ورتبه وقدم

له: عبد الرزاق محمد حسين حرز الدين، چاپ: الثانية، ص ٨٠، ح ٦٥

همچنین در روایت دیگری از «عمر بن خطاب» وارد شده است که می‌گوید:

«عن عمر بن الخطاب، قال: كنت أجفو علياً، فلقيني رسول الله (صلى الله عليه وآله) فقال: " إنك أذيتني

يا عمرا! ". فقلت: أعود بالله ممن أذى رسوله! قال: " إنك قد أذيت علياً، ومن أذى علياً فقد أذاني "»

عمر بن خطاب می‌گوید من مدام در حق علی جفا می‌کردم. روزی پیغمبر را ملاقات کردم. ایشان به من فرمود: ای عمر تو مرا آزار دادی! گفتم: پناه می‌برم به خدا از کسی که پیغمبر را بیازارد. فرمود: تو علی را اذیت کردی و هر کس علی را بیازارد مرا آزار داده است.

مناقب علی بن ابی طالب (ع)؛ نویسنده: أحمد بن موسى ابن مردويه الأصفهانی، تحقیق: جمعه ورتبه

وقدم له: عبد الرزاق محمد حسين حرز الدين، چاپ: الثانية، ص ۸۱، ح ۶۶

همچنین از «ابن عباس» نقل شده است که می‌گوید:

«عن ابن عباس، أنه مرّ بعد ما حجب بصره بمجلس من مجالس قریش، وهم يستنون علياً»

از ابن عباس نقل شده است بعد از اینکه بینایی خود را از دست داد از کنار مجلسی از مجالس قریش می‌گذشت که شنید امیرالمؤمنین را سب می‌کنند.

«قال: فردّني إليهم، فردّه»

او به شخصی که دستش را گرفته بود گفت: من را به سوی این مجلس برگردان. او هم او را برگرداند.

«فقال: أیکم الساب لرسول الله؟»

ابن عباس گفت: کدام یک از شما رسول الله را سب می‌کردید؟

«فقالوا: سبحان الله! من سب رسول الله فقد كفر»

مردم قریش گفتند: سبحان الله! کسی که رسول الله را سب کند کافر است.

«فقال: أيكم الساب لعلی بن أبي طالب؟ قالوا: قد كان ذاک»

ابن عباس گفت: کدام یک از شما علی بن ابی طالب را سب می‌کرد؟ اهل قریش گفتند: تعدادی از ما ایشان را سب می‌کردیم.

«فقال لهم: فاشهدوا، لقد سمعت رسول الله (صلى الله عليه وسلم) يقول: " من سبّ علياً فقد سبّني، ومن سبّني فقد سبّ الله "»

ابن عباس گفت: شاهد باشید من از رسول الله شنیدم که می‌فرمودند: هرکسی علی را سب کند مرا سب کرده است و هرکسی مرا سب کند خدا را سب کرده است.

مناقب علی بن ابی طالب (ع)؛ نویسنده: أحمد بن موسى ابن مردويه الأصفهانی، تحقیق: جمعه ورتبه
وقدم له: عبد الرزاق محمد حسين حرز الدين، چاپ: الثانية، ص ۸۱، ح ۶۷

همچنین «ابن مردويه» در روایت دیگری می‌نویسد:

«أن معاوية لعن علياً (عليه السلام) على المنبر وكتب إلى عمّاله أن يلعنوه على منابرهم، ففعلوه»

معاویه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را بر منبر لعنت کرد و به همه عمالش نوشت که او را بر منابر لعنت کنند.

مناقب علی بن ابی طالب (ع)؛ نویسنده: أحمد بن موسى ابن مردويه الأصفهانی، تحقیق: جمعه ورتبه
وقدم له: عبد الرزاق محمد حسين حرز الدين، چاپ: الثانية، ص ۸۲، ح ۶۸

بنابراین هرکسی امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را سب کند رسول الله (صلی الله علیه و آله) را سب کرده است و هرکسی رسول الله را سب کند خداوند متعال را سب کرده است.

پرسش:

آیا عبارتی مثل عبارت «ابن تیمیه» که می گوید اکثر صحابه به امیرالمؤمنین ناسزا می گفتند و بغض او را در دل داشتند و...؛ در کتب ائمه اربعه از جمله «ابو حنیفه»، «مالک» و دیگران وجود دارد؟!

پاسخ:

چنین عبارتی در هیچ کتاب دیگری وارد نشده است. در هیچ کتابی وارد نشده است که صحابه را در برابر امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) قرار بدهند. من هیچ جا ندیدم

ائمه اربعه نهایت حرفی که در مورد صحابه دارند جنگ جمل است که می گویند: آن ها در جنگ جمل اجتهاد کردند و خطا کردند و حق با امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بوده است. ائمه اربعه همگی اتفاق نظر دارند که حق با حضرت بوده است.

من ندیدم یک نفر از ائمه اربعه ادعا کنند که «طلحه»، «زبیر»، «عایشه» یا «معاویه» به حق بوده اند. همه بالاتفاق قبول دارند که حق با امیرالمؤمنین بوده است.

به نظرم «ابوحنیفه» است که می گوید: اگر جنگ جمل اتفاق نیفتاده بود، ما نمی دانستیم که حکم برخورد با بغات چگونه است؟ و قتال با بغات را ما از عمل علی بن ابیطالب یاد گرفتیم. او معتقد است که اگر عمل امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نبود، حکم برخورد با بغات برای ما روشن نبود. منظور «ابوحنیفه» این است که ما روایت خاصی نداشتیم که ببینیم چگونه باید با بغات برخورد کنیم.

پرسش:

«ابوبکر» در پی ماجرای با بغات محاربه کرده بود.

پاسخ:

زمانی که «ابوبکر» با بغات محاربه کرد، یک محمل شرعی درست کردند که این افراد منکر زکات هستند. آنها ادعا کردند به دلیل اینکه این افراد منکر زکات هستند ما آنها را می‌کشیم و گفتند:

«لَأَقْتُلَنَّ مَنْ فَرَّقَ بَيْنَ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ فَإِنَّ الزَّكَاةَ حَقُّ الْمَالِ وَاللَّهُ لَوْ مَنَعُونِي عَنَّا كَانِ يُوَدُّونَهَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ لَقَاتَلْتُهُمْ عَلَى مَنَعِهَا»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة

– مصر، ج ۱، ص ۱۹، ح ۱۱۷

خلیفه اول گفت: کسانی که به پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) زکات پرداخت می‌کردند، اگر به من زکات ندهند آنها را خواهم کشت.

این در حالی است که بغات با ابوبکر نجنگیدند و به سمت آنها لشکرکشی نکردند، بلکه خلفا به جنگ با آنها رفتند. «مالک بن نویره» داشت زندگی خودش را می‌کرد و طبق وصیت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مشغول تقسیم زکات میان فقرا بود و کار خلافتی انجام نمی‌دادند.

ولی در جنگ جمل «طلحه»، «زبیر» و «عایشه» لشکرکشی کردند و در برابر خلیفه به حق قیام کردند و مسافت طولانی شام تا عراق را طی کردند. ملاحظه کنید میان دمشق تا منطقه صفین حدود ۵۰۰ کیلومتر مسافت وجود دارد.

زمانی که ما با ماشین خودمان به ترکیه رفته بودیم برای رفتن به سویه؛ در استان وان منزل یکی از دانشجویان خودمان که در دانشگاه بین المللی شاگرد ما بود مهمان بودیم. آنها راه‌های میانبر به ما نشان دادند و ما از قسمت دیاربکر رفتیم که حدود ۱۴۰۰ کیلومتر راه ما نزدیک شد.

اتوبوس‌ها از طرف استانبول می‌رفتند و از آنجا دور می‌زدند، اما ما از قسمت کوهستانی رفتیم و قبر «ابو ایوب انصاری» را هم زیارت کردیم. ما ابتدا وارد دیاربکر و از آنجا وارد اورفا که محل قیام حضرت ابراهیم (علیه السلام) بود، شدیم.

ما در آنجا آثار کاخ بزرگ «نمرود» را مشاهده کردیم. البته شاید ۳۰۰ پله می‌خورد و بالای کوه می‌رفت. آنجا دریاچه کوچکی وجود دارد که آب خاصی دارد و همه ماهیان مشکی هستند. گفته شده این ماهی‌ها از نسل ماهیانی هستند که برای حضرت ابراهیم آب بردند. امروزه محل آتش زدن حضرت ابراهیم به استخر بزرگی تبدیل شده است که همه ماهیان آنجا مشکی هستند و من ماهی مشکی غیر از آنجا در جای دیگری مشاهده نکردم.

ما در آنجا با بعضی از دوستان مشورت کردیم که اگر از حلب برویم، بازهم مسیر ما دور خواهد شد. ما از دوستانمان در آنجا تقاضا کردیم به ما راه میانبری نشان دهند که از اورفا مستقیم وارد عراق شویم.

ما در کمتر از ۴۰ دقیقه وارد خاک عراق شدیم و دقیقاً در جایی وارد شدیم که منطقه صفین بود و قبر «عمار یاسر» را در آنجا مشاهده کردیم. من گمان نمی‌کنم کسانی که سوریه یا عراق می‌روند، کسی قبر «عمار یاسر» را زیارت کرده باشد.

زمانی که ما وارد این منطقه شدیم، کنار شریعه فرات منطقه صفین را مشاهده کردیم. اگر کسی از دمشق بخواهد به آنجا بیاید، باید بالای ۴۵۰ یا ۵۰۰ کیلومتر مسافت را طی کند.

یعنی «معاویه» با اسب و شتر این مسافت را طی کرده است و لشکرکشی کرده تا به منطقه صفین برای جنگ با امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و براندازی حکومت حضرت بیاید. حساب «معاویه» از کسانی که «ابوبکر» با آنها قتال کرد، کاملاً جداست.

در هر صورت...

«مناوی» هم در این رابطه می‌گوید:

«ومن سب الله فهو أعظم الأشقياء»

ما باید ببینیم «أعظم الأشقياء» بودن با عدالت سازگار است یا نه؟ او سپس می‌گوید:

«وفيه إشارة إلى كمال الاتحاد بين المصطفى والمرضى»

فیض القدير شرح الجامع الصغير، اسم المؤلف: عبد الرؤوف المناوی، دار النشر: المكتبة التجارية الكبرى

- مصر - ۱۳۵۶ هـ، الطبعة: الأولى، ج ۶، ص ۱۴۷، ح ۸۶۷۸

تعبیر بسیار زیبایی است. همچنین «ابن تیمیه» هم در کتاب «الصارم المسلول علی شاتم الرسول» می‌نویسد:

«محذور سب الله اغلظ من محذور الكفر به»

گناه کسی که به خداوند ناسزا بگوید، غلیظتر از گناه کسی است که کافر به خدا باشد.

الصارم المسلول علی شاتم الرسول، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني، دار النشر: دار

ابن حزم - بيروت - ۱۴۱۷، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد عبد الله عمر الحلواني، محمد كبير أحمد

شودری، ج ۳، ص ۱۰۳۴

حال «ابن تیمیه» که می‌گوید:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه و يسبونهم و يقاتلونهم»

و ما هم با استفاده از روایات بیان کردیم کسی که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را سب کند رسول الله (صلی الله علیه و آله) را سب کرده است. و کسی که رسول الله را سب کند خداوند متعال را سب کرده است و گناه کسی که خدا را سب کند غلیظتر از گناه کسی است که به خدا کافر باشد.

بنابراین روایات ثابت شد صحابه‌ای که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را سب می‌کردند همگی از کفار بودند. این افراد نه تنها از دایره عدالت بیرون رفتند، بلکه از دایره اسلام هم بیرون رفتند. آیا اتباع «ابن تیمیه» ملتزم به این مطالب و روایات هستند، یا نه؟!

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته